

به نام خدا

# جودی انجمن مخفی تشکیل می دهد



مگان مک دونالد

ترجمه‌ی محبوبه نجف‌خانی

تصویرگر: پیتر اچ. ری نولدز



کتاب‌های کودک

## فهرست

- ۹ ..... درباره‌ی نویسنده
- ۱۷ ..... درباره‌ی تصویرگر
- ۱۹ ..... بی‌حال و حوصله
- ۲۹ ..... غرر
- ۴۱ ..... دو کله بهتر از یک کله کار می‌کند
- ۵۷ ..... حیوان خانگی مورد علاقه‌ام
- ۶۹ ..... حیوان خانگی بوگندوی من
- ۷۵ ..... دکتر جودی دمدمی
- ۸۷ ..... انجمن ج. ق.
- ۹۹ ..... بدترین اتفاقی که تا به حال برایم افتاده
- ۱۱۵ ..... بی‌برو برگرد بدترین اتفاقی که...
- ۱۲۱ ..... بامزه‌ترین اتفاقی که...
- ۱۳۷ ..... کلاژ من
- ۱۴۹ ..... چسب زخم و بستنی





---

## بی حال و حوصله

---

جوادی دلش نمیخواست تعطیلات تابستان تمام بشود. اصلاً حوصله نداشت هر روز موهایش را شانه کند، هیچی کلمات را حفظ کند و کنار فرانک پرل بنشیند، که سر کلاس چسب می خورد.

جوادی دمدمی سر حال نبود. کلافه بود. حال و حوصله نداشت. اخمهایش حسابی تو هم بود. حتی بوی مدادهای عطری جدیدش نتوانست او را از رختخواب بکشد بیرون. مامان با آواز گفت: «اولین روز مدرسه! بجنب لباس بپوش.» جوادی دمدمی یواشکی جیم شد زیر ملافه ها و بالش را گذاشت روی سرش.